

توضیح: سندی که در زیر می خوانید بر گرفته از جلد دوم کتاب اسناد وزارت امور خارجه ایران است. کتابی که در سال 1364 منتشر شده است. این سند گزارش مخبر حکومت طهران (تهران فعلی) از اوضاع و احوال ما قبل اشغال نظامی امارت عربستان و ورود نیروهای قزاق رضا شاهی است. نیروهایی که با خدعه و نیرنگ و با زیر پا نهادن تمام تعهدات داخلی و بین المللی دولت مرکزی ایران در رابطه با عدم تجاوز به حقوق ملت عرب در عربستان و همچنین احترام حاکمیت امیر آنها زنده یاد شیخ خزعل بن جابر مرتکب جنایت ننگینی شدند. این نیروهای جانی و نمک نشناس در حالیکه سر سفره شام آن شیخ بودند او را غافلگیر کرده نا جوانمردانه به همراه دو فرزندش به گروگان می گیرند و فردای آن روز را در امارت عربستان اعلام حکومت نظامی کرده از آن تاریخ تاکنون برای محو هویت عربی این خطه متوسل به انواع جنایتها شدند که تازه ترین و نه آخرین آنها تخریب قصر شیخ خزعل در محمره بود.

فریاد جنوب

سند شماره: ۲۰۴

فرستنده:

گیرنده:

تاریخ: ۸ صفر ۱۳۴۳ (۱۳۰۳ ش)

نمره:

متن سند:



زنده یاد امیر شهید شیخ خزعل بن جابر آخرین حکمران عرب عربستان
1925-1897

بیداری اعراب در ایالت عربستان - عملیات اخیر دولت ایران - هیجان افکار عمومی - سیر و گردش شیخ خزعل - گرویدن عشایر و اهالی شهرها به دور او - سوگند خوردن به مساعدت و وفاداری - مطالبه عینی تجزیه عربستان از ایران و تأسیس یک حکومت مستقلی در آنجا - نمایشها و پروتستها از ناصری اهواز، ۲۶ محرم سنه ۱۳۴۳.

در این ایام اخیره وقایع مهمی رخ داده که دلالت بر بیداری اعراب در عربستان می نماید که تا حال تاریخ در تحت حکم شیخ خزعل کعبی عامری می باشند. شکی نیست که این حوادث وقوع تغییرات مهمی را در طرز اداره و سیاست ایالت مزبور خیر می دهد. تغییر مجاری امور در پایتخت ایرانی ها یکی از عوامل مؤثره بوده که حس بیداری را در اعراب سکنة آنجا بسرعت پرورش داده. سردار اقدس شیخ خزعل احساس کرد که اولیای امور در طهران مقاصد سوئی در باره او دارند و مشاهده نمود که روزنامجات مزدور ایرانی بر او حمله نموده و در حق او و قوم عربش طعن و نکوهش می نمایند و از طرف ایرانی ها علامت شرنمایان و حکومت ایران شروع به اجرای نیات سوء خود نموده و اول سعی در تبدیل اسم ایالت عربستان به خوزستان نمود و قسمتی از صاحب منصبان نظامی خود را فرستاد که به میل خود ادارتی تشکیل و زمام حکومت را از دست سردار اقدس و پسران و مأمورین او خواهی نخواهی بگیرند و بدین وسیله به نفوذ عربها خاتمه بدهند. و شکی نیست که این عملیات دشمنانه فقط از برای دلیل کردن عربها تهیه شده و می خواهند در آن ایالت آثاری از حکومت عرب باقی نگذارند. زیرا در این اقدامات برای حکومت طهران هیچ فایده اداری و سیاسی ملحوظ نیست.

می کرد، ولی فرقه متجددین طهران میل ندارند ببینند عربها در حدود ایران نفوذ و تسلطی دارند و به چشم ایشان خوش نیست یک امیر عربی را مشاهده نمایند که در یک ایالت عربی حکومت می کند و آن ایالت عربستان است. چنانچه از اسم آن مفهوم می شود و نمی خواهند در جزو ایالات ایران یک ایالت عربی هم باشد، لذا قرار به تبدیل اسم آن ایالت گذاشته و یک اسم فارسی سجت [سخت] بر آن ایالت اطلاق و درصدد سلب اقتدار اعراب و امرای آن بر آمده اند که عربها را ذلیل و زیر دست بسازند. در مقابل این اقدامات قساوتکارانه امیر عرب به هیجان آمده و فوراً بر ضد اشخاص متصدی قیام نمود که جلوگیری از اجرای این نقشه های دلخراش نماید و آستین همت را بالا زده از عشایر و اهالی که در تحت حکم او هستند، تقاضا نمود برای مواجهه با مخاطرات محتمله کاملاً مستعد و مهیا باشند، رؤسای عشایر در ناصری اهواز جمع شدند و شیخ خزعل آنها را میان زندگانی به ننگ و مردن به نام مخیر کرد. همه به یک زبان جواب دادند که مردن به شرف را بر زندگانی به ذلت ترجیح می دهند و به اولین اشاره که از طرف او بشود همه حاضرند. سردار اقدس به ایشان اظهار کرد که حکومت ایران باید از مقاصد سوء خود صرف نظر نماید و الاً فوراً تجزیه این ایالت را اعلان و آن را از تحت حکم ایران آزاد و مستقل خواهد ساخت، همه رؤسای عشایر اظهار کمال موافقت نمودند و برای تأیید اظهارات خود استشهادها و پروتستهای متعدد نوشته و هزارها از اهالی و رؤسای عشایر و غیره در آنها مهر کردند حتی قسمتی از ایرانی های (در اینجا برای تحقیر لفظ اعاجم استعمال شده) مقیم شوش و دزفول با برادران عرب خود منضم شده و در آن استشهادها مهر و انفصال عربستان را تقاضا نمودند، همین که این خبر میان قبایل اشاعه یافت، خطوط و نمایندگان آنها پی در پی بر سردار اقدس وارد و به او اطلاع دادند که تمام عشایر مجتمع و متفق شده و حاضرند با سوار و پیاده خود حضور برسند. ولی از آنجایی که سردار اقدس به صلح پروری و حب مسالمت معروف است و اغتشاش و فتنه را دوست نمی دارد به آنها امر کرد در محل خود بمانند و از اخلاص آنها اظهار تشکر نمود و به بعضی از سوارهای عشایر اجازه داد که به ناصری بیایند و آن سوارها آمده، کنار رود کارون اردو زدند و عشایر به اینقدر از اقدامات خود اکتفا ننموده، با یک احساسات بی نظیری اجتماع و اصرار نمودند که باید عربستان بکلی از حکومت ایران منفصل و مجزا شود و بعضی نمایشات صلح جویانه که نزد عشایر متداول است، نشان دادند و امیر خود را سلطان ایالت عربستان نامیدند و زنده باد گفتند و حضرت امیر به ایشان توصیه نمود که مواظب امنیت و آسایش

بوده، لوله‌های نفت و منازل و مؤسسات کمپانی را محافظه و همچنین راهها و خط مواصلات و تجارت را تأمین نمایند و همه امر او را امتثال نمودند. وقتی که سردار اقدس این احساسات و این همت را در رعایای خود مشاهده کرد، لازم دید که در جمیع بلوکات ایالت گشت و گذار نماید که از حال عشایر و قصبه‌جات و وضعیات آنها مستحضر شود. لذا در ۷ محرم سنه ۱۳۴۳ با گماشتگان محترم و اتباع خود و قسمتی از رؤسای عشایر محیسن و کعب و بنی‌طرف و بادیه و بنی‌عتم و الشزمه و جیاده و شریفات و بنی‌ساله در چهل اتومبیل به حویزه رفت و وارد خفاجیه محل عشایر بنی‌طرف گردید. از او پذیرایی شایانی به عمل آمد که نظیر آن واقع نشده و سه روز نزد ایشان توقف و عشایر بنی‌طرف را تحریک به اتفاق و تمسک به قومیت عرب و امر به سکون و آسایش نمود، و مکرر از ایشان سؤال کرد که آیا ممکن است برایشان اعتماد و اطمینان داشته باشد که از حقوق و شرافت خود مدافعه نمایند، همه به آواز بلند جواب دادند که به اولین اشاره او حاضر همه نوع فداکاری هستند و سوگند یاد کردند که دیگری را عوض او نپذیرند و مجدداً به او بیعت نمودند. پس از آن سردار اقدس با مرکب خود به ناصری مراجعت و جمیع رؤسای عشایر حویزه با او آمدند و چهار روز در ناصری توقف و پس از آن به دورق رفت که از حال عشایر کعب مستحضر شود و جمیع گماشتگان و مستحفظین او و رؤسای عشایر با او بودند و قریب هشتاد اتومبیل با او حرکت کرد و به اول دهی از دهات دورق که جفال نامیده می‌شود، رسید در آنجا عشایر بانمایشهای عربی از او استقبال و در این پذیرایی مرد و زن و کوچک و بزرگ شرکت داشتند. شب در آنجا اوتراق کرد و صبح به قریه دیگر رفت و در آنجا با همراهان خود ناهار خورد و از آنجا به فلاخیه، بزرگترین دهات کعب، مسافرت نمود و فلاخیه اقامتگاه شیخ عبود زاید فریاب از بزرگترین مشایخ کعب است و شب را در آنجا اوتراق و صبح به یک محلی مسافرت کرد که آن را اوشار (مخوف [مخفف] آبشار است) می‌گویند. اوشار محل اقامت قبیله عساکره است و رئیس این قبیله شیخ معانس یکی از دامادهای سردار اقدس است و اجتماع بزرگ در آنجا منعقد شد. شیخ معانس ولیمه شایانی برای حضرت امیر تهیه کرد و متجاوز از دویست رأس گوسفند کشت و وقتی که سفره عربی گسترده شد و رؤسای مشایخ عرب که عده آنها بیش از دو هزار نفر بود دور آن نشستند، بغیر از خدمه و سایر افراد که مجموع آنها به چهار هزار نفر بالغ می‌شد، استاد سلیمان فیضی افندی برخاست و مقابل حضار نطق مؤثر مهیجی خواند که بیش از نیم ساعت طول کشید و

پی در پی برای او کف زدند و تحسین کردند و مکرر حضار فریاد زدند زنده باد سلطان خزرعل و احساسات قومی در آنجا به اتمام نمایش خود جلوه می کرد. صدای زدن به گوش تمام عشایر می رسید، مثل اینکه سیم تلگراف به آنها خبر می رساند و این مسئله دلالت قوی داشت که در دل عشایر چه احساسات عالی راجع به قومیت و وطن آنها جولان می کرد. بعد از اتمام نطق روسای عشایر به حضرت استاد (مقصود سلیمان فیض است) تهنیت و از او خواهش عفو و اغماض نمودند که شاید تقصیری از آنها سر زده باشد، زیرا عشایر قبل از این معتاد به شنیدن این قبیل نطقهای مهیج نبودند و قول مؤکد دادند که در رده قومیت مقدس خود فداکاری نمایند و بعد از یک ساعت استراحت حضرت امیر به فلاحیه مراجعت و در آنجا بیتوته کرد و دلها خرم و شادمان بود از اتفاق اعراب و گرویدن آنها به دور امیر محترمشان و صبح روز دیگر باز عشایر با رؤسای خود اجتماع و مجدداً به حضرت امیر بیعت کردند و استقلال تمام عربستان و تجزیه آن ایالت را از مملکت فارس و حکومت آن اعلان کردند و استعداد خود را در مدافعه از حقوق مقدس خود به مال و جان تأیید نمودند. پس از آن با حضرت امیر موافقه نمودند، درحالی که فریاد زنده باد ایشان به آسمان می رسید. سردار روز ۱۸ محرم سنه ۱۳۴۳ به ناصری مراجعت کرد. پس از مراجعت او عشایر و نمایندگان ایشان پی در پی شروع به آمدن نموده و همه اظهار اخلاص و فداکاری و مساعدت می کردند و هر چه بادا باد می گفتند و تا حال تحریر این مراسم این نمایشات جاری است. این بود حوادث مهمه که در جهات ما واقع شده که آن را مجملاً نوشتم و هر چه در آنجاها واقع شود تفصیل آن را به شما خواهیم نوشت و از خداوند خواهانیم که عربها را در تحصیل عزت و استقلال خود موفق نماید.

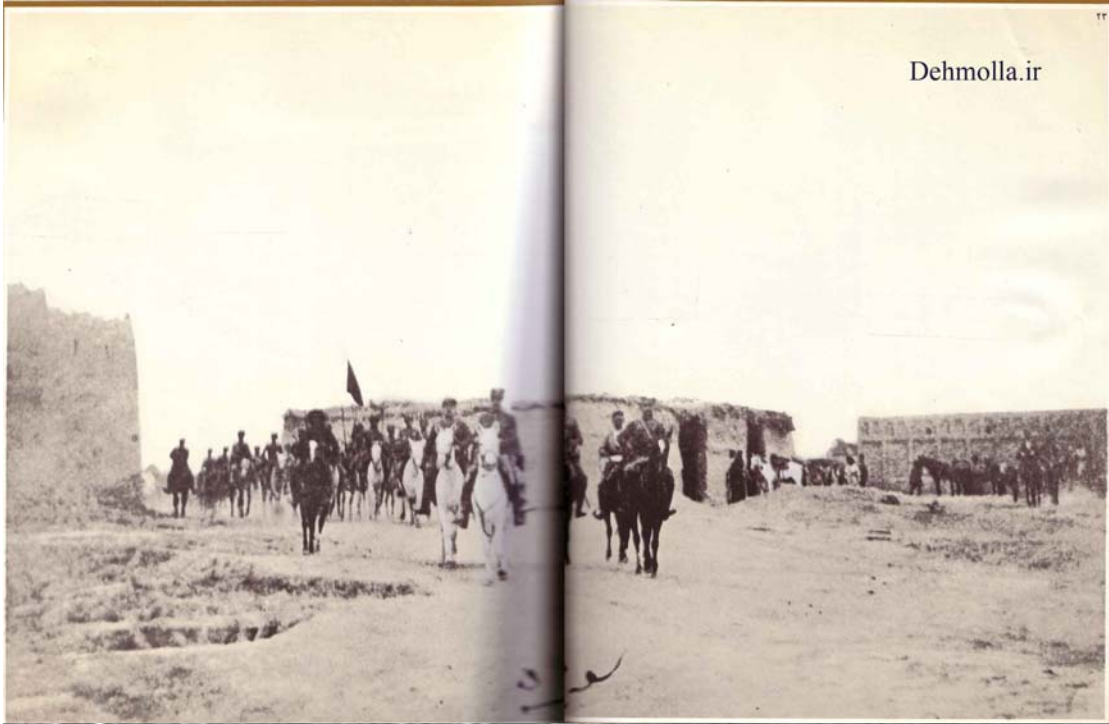
مخبر شما

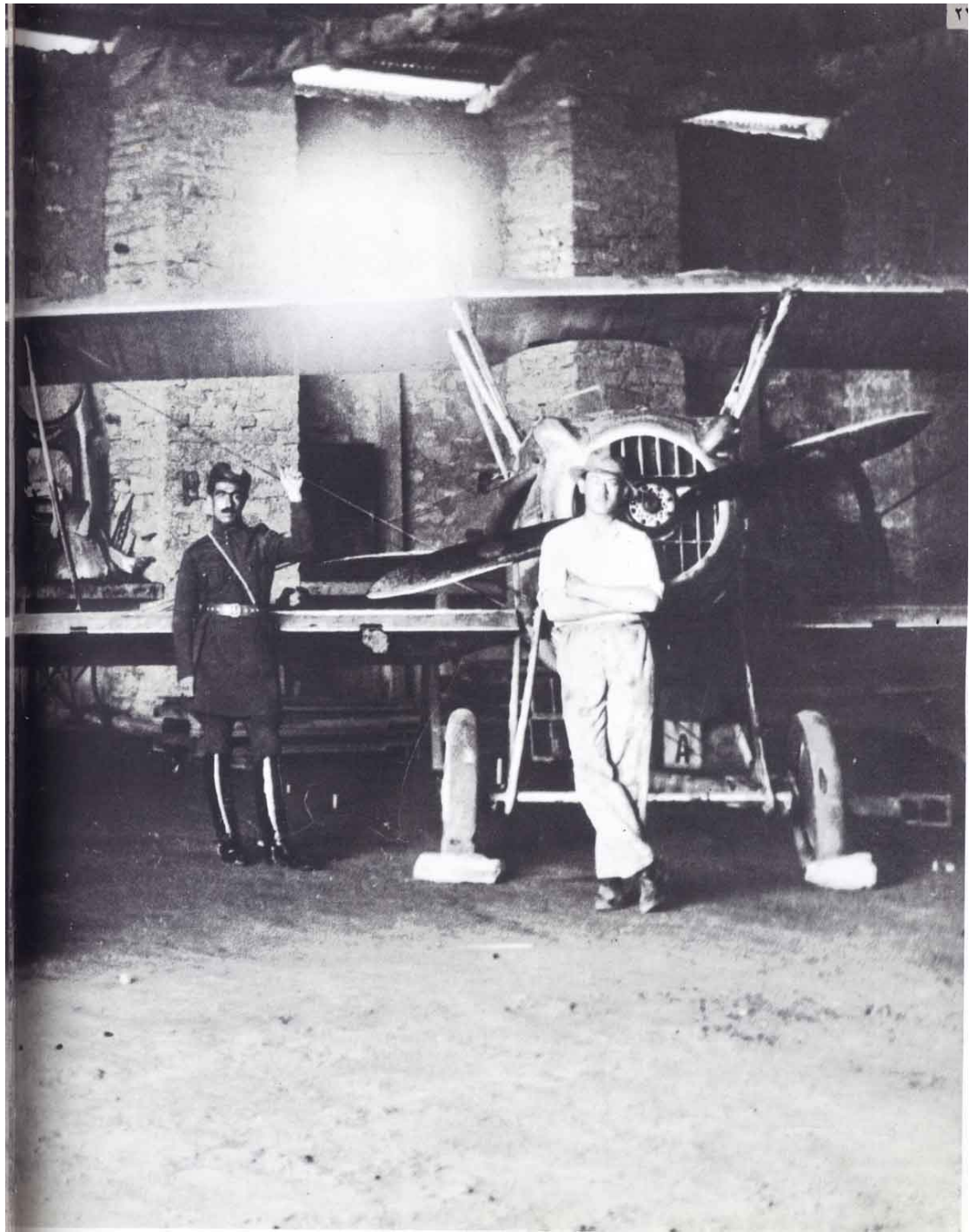
تصاویر پایین بر گرفته از ویبلاگ دهملاست که همگی نحوه ورود نیروهای نظامی قزاق رضا شاهی است و اشغال نظامی عربستان (خوزستان مجعول) را نشان می دهند.

dehmolla.ir



Dehmolla.ir









۳۰



۳۱

تصاویر زیر مربوط به آخرین سه حاکم عربستان از سلاله بیت
مرداو (آل چاسب) می باشند.



الشيخ جابر بن مرداو أمير عربستان



الشيخ مزعل بن جابر أمير عربستان



الشيخ خزعل بن جابر أمير عربستان